

دوچرخه کم کم در حال سامان گرفتن است. این موضوع را وقتی فهمیدم که یکی از نوجوانان پر و پاقرص دوچرخه، به دفتر جدید مادر طبقه ی ششم آمد و به یکی از قفسه های بی روح تحریریه، روح دوباره بخشید. شاید بگویید چطور؟ عرض می کنم

یکی از ارزشمندترین همراهان هفته نامه ی دوچرخه، خبرنگاران نوجوان افتخاری اش هستند. نوجوانانی که جدی تر از دیگر مخاطبان، آثارشان را برای مای فرستند و یک جورهایی قلب تپنده ی دوچرخه هستند.



در طول ۲۲ سال فعالیت دوچرخه، این همراهان همیشگی به مناسبت هایی چون تولد دوچرخه، روز نوجوان و مواردی از این دست، دفتر تحریریه را هدیه باران می کردند و ما به نوبت به یادگار، علاوه بر قلب، آن ها را در گنجینه ی هفته نامه نگه می داشتیم.

در جابه جایی دفتر دوچرخه، این هدایا در جعبه هایی، مهر و موم شد و حالا به همت این نوجوان دوست داشتنی، از ویتترین منتخبی از هدایای دوچرخه جان، رونمایی شد.

یادتان باشد تحریریه ی یک نشریه، وقتی زنده و پویاست که مخاطبان واقعی اش، در آن قدم بزنند و آثارشان را برای انتشار ارسال کنند. فرصت تابستان، بهترین زمان است برای سر زدن به دوچرخه و فرستادن شعرها، داستان ها، عکس ها و تصویرگری های خودتان.

در ضمن دوباره توجه شما را به اسکن کیوار کد زیر جلب می کنم. پر کردن فرم خبرنگار افتخاری و ارسال آثار.



این نامه کمی روی به سوش!

در روزگاران قدیم، یعنی آن زمانی که هنوز نوجوانان، به پیامک و ایمیل و خبررسان های اجتماعی مجهز نشده بودند، در و دیوار بخش نوجوان دوچرخه، پر بود از نامه های ارسالی؛ نامه هایی که هر کدام پر از شادی و شور بود، آن هم با طعم شهرها و روستاهای مختلف.

اما به مرور، ایمیل ها قوت گرفت و نامه ها کم رنگ شد. در دور جدید انتشار دوچرخه، باز هم مثل گذشته، بازار ایمیل داغ است و پر طرفدار. اما هفته ی پیش، نخستین نامه از همدان، شهرستان ملایر، چشم همه ی اعضای تحریریه را پر از برق امید کرد. به همین مناسبت از «امیر حسین علی خانی» دوست ملایری دوچرخه تشکر می کنیم و به شما هم یادآور می شویم که هنوز دنیای نامه، پر مهر تر از راه های ارتباطی دیگر است.



جور دیگر باید دید

پارسا واحدی حائری / ۱۷ ساله از تهران

اگر زیر «باران» باشیم، همه ی ما مثل هم خیس خیس می شویم؛ اما هر کدام از ما به این پدیده ی طبیعی، نگاهی متفاوت داریم: باران می تواند برای گروهی شادی آور و برای تعدادی، غم بار باشد. باران یک پدیده است، اما به برخی، آرامش می بخشد و گروهی را نگران می کند. مهم، زاویه دید ما نسبت به باران است. این که ما چگونه به آن نگاه می کنیم؟



نام هنرمند: سهراب سپهری
نام اثر: تنه ی درخت
سال خلق: ۱۳۵۰
ابعاد: ۲۰۰×۱۵۰ سانتی متر
تکنیک: رنگ روغن روی بوم



نام هنرمند: دیوید هاکنی
نام اثر: تصویری از یک چشم انداز در قاب استاندارد از پوشه ی چاپ دستی هالیوود، سال خلق: ۱۹۶۵
ابعاد: ۵۶/۵۶×۸/۷۴ سانتی متر
تکنیک: لیتوگرافی (چاپ سنگی)



نام هنرمند: علی اکبر صادقی
نام اثر: نامنظم، سال خلق: ۱۳۶۷
ابعاد: ۶۰×۷۶ سانتی متر
تکنیک: رنگ روغن روی بوم



نام هنرمند: بیژن بصیری
نام اثر: تک درخت کنار جاده، سال خلق: ۱۳۵۵
ابعاد: ۴۵×۶۳ سانتی متر، تکنیک: ترکیب مواد روی مقوا



نام هنرمند: ژان دافی
نام اثر: در جنگل
ابعاد: ۵۹×۴۲ سانتی متر
تکنیک: گواش و آبرنگ روی مقوا

نام هنرمند: ایرج شجاعی، نام سه اثر: جنگل، سال خلق: ۱۳۵۶، ابعاد هر اثر: ۴۵×۴۵ سانتی متر، تکنیک: گواش و مداد رنگی روی مقوا



رد پای زاویه دید متفاوت به پدیده های یکسان را می توان در آثار هنرمندان هنرهای تجسمی به روشنی مشاهده کرد. به عنوان مثال، هنر نقاشی، پر است از این نگاه های متفاوت به یک موضوع یکسان. این موضوع پس از تماشای آثار نقاشی به نمایش درآمده در موزه ی هنرهای معاصر، برایم عین روز روشن شد؛ نمایشگاهی که این روزها، با عنوان «دپا»، از آثار نقاشی گنجینه ی موزه ی هنرهای معاصر، مقابل نگاه علاقه مندان قرار گرفته و تا روز یکشنبه، چهارم تیر، برپاست.

در ظهر یکی از آخرین روزهای بهار، از نمایشگاه بازدید کردم. تابلوهای روی دیوار، حسایی مرا شگفت زده کرده بود. در همان سالن اول، نقاشی «تنه ی درخت»، کاری از سهراب سپهری، توجهم را به خود جلب کرد. انگار وقتی حرف از درخت می شود، سهراب تنها تنه ی درخت را می بیند، آن هم محکم و استوار. او با همان تکنیک و سایه های همیشگی، بافتی را بر پهنه ی بوم ایجاد کرده که تنه ی درخت را واقعی تر جلوه می دهد. رنگ های طیف قهوه ای هم بی نظیر است. در قاب او درختان بی برگاند و به مخاطب، حسی شبیه تنهایی یا ابهام منتقل می شود.

سوژه ی «ایرج شجاعی» در سه تابلوی به نمایش درآمده در این نمایشگاه نیز درخت است. او سرسبزی درختان و جنگل را به تصویر کشیده، آن هم با گواش و مداد رنگی. حال و هوای آثار او به سبک امپرسیونیسم نزدیک است. نقاش در این سبک، با ضربات شکسته و کوتاه قلمو و مداد، به جای ترکیب دورنگ زرد و آبی و ساختن رنگ سبز، این دورنگ را به نحوی روی مقوا قرار داده تا برای مخاطبش، فقط حسی از رنگ سبز به نظر بیاید. حتی زاویه ی دید متفاوت او به جنگل در سه اثرش، نکته ای قابل توجه است.

«علی اکبر صادقی» اما نقاشی سوررئال است. او در تابلوی نامنظم خود، منظره ای رؤیای گونه را از درخت خلق می کند؛ درختانی سرسبز که در میان آب هایی بالای ابرها تصویر شده اند.

«ژان دافی» با گواش و آبرنگ، منظره ای از جنگل و درختانی خیالی و رنگارنگ خلق می کند که با ساده کشیدن اشکال، ترکیب بندی نامنظم رنگ ها و پرهیز از سه بعدی کردن و سایه زدن های بیش از حد، به سبک امپرسیونیسم یا حتی فوویسم نزدیک می شود. «بیژن بصیری»، اما تک درختی را به تصویر کشیده؛ درختی سبز و دور، بالای تپه ای کنار جاده. او با ترکیب مواد مختلف روی مقوا، منظره ای ساده اما خلاقانه و متفاوت خلق کرده است.

اثر «دیوید هاکنی» هم که بیش تر به سبک پاپ آرت و هنر مدرن نزدیک است، تصویری فانتزی و ساده از درخت، چیزی شبیه درخت های دنیای کودکی.

در پایان بازدید از نمایشگاه، سراغ «حسن نوفرستی»، مدیر روابط عمومی موزه رفتم و از او درباره ی حضور بازدید کنندگان نوجوان پرسیدم. نوفرستی گفت: «این نمایشگاه می تواند راهی باشد برای این که نوجوان ها بتوانند به حوزه ی هنر ورود کنند و شناخت شان را نسبت به آثار هنرمندان هنرهای تجسمی بیش تر کنند.»

موزه ی هنرهای معاصر در ضلع غربی پارک لاله واقع است و شما می توانید از ساعت ۱۰ تا ۱۸ (به غیر از روزهای دوشنبه) از این نمایشگاه بازدید کنید.